

# یا من اراه الله فی الرؤیا الصادقة ما یثبت قدمیه علی الصراط ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۱۸۳

هو الله

یا من اراه الله فی الرؤیا الصادقة ما یثبت قدمیه علی الصراط تالله الحق ان القلب لفی اسف و ان الروح لفی لهف و ان الفؤاد لفی آلام شداد مما طرء علی امر الله من الآفات و شاع المفتریات من انفس مؤتفکات فاشکر الله بما اراک الرؤیا و فیها اعظم غنیة [فالرجل] لعمرك انه لفی ما اراک الله و اسئل الله ان ینقذه منه فانه خیر منقذ و ینجیه بفضلہ و جوده و ینجیه سوا السبیل و اتی لعمرك الله ابکی دماً مما جرى و اتجد علی نار الغضا و انوح نباح الثکلی و اقول

رب اید قلوباً زاغت عن الصواب و ضلت فی فیافی الارتیاب و خاضت فی بحر من السراب و تمسکت بحبل من نسیج العناکب و ما خافت یوم عقاب ای رب انهم من ضعفاء عبادک نجهم بقوتک و قدرتک و اجعل لهم مخلصاً من البئر العمیقة العمیاء و ارشدهم الی طریق الوفاء و سبیل التقی فیندموا علی ما فعلوا من هتک حرمتک بالترزل فی الميثاق فانهم عدوا من المجاورین بین الاحباء ع

آن رؤیا روایه صادقہ بود پس دعا فرمائید کہ حق این نفس را از این مهالک نجات بخشد و انصافی باو دهد و نفعهئی از وفا بمشامش رساند کہ اقلاً کذب و افترا را مدار ترویج بغضا ننماید چهار مرتبه آمد و توبه نمود و جمیع احباً شاهدند باز قبول کردم و چشم پوشیدم و مهربانی کردم و محبت نمودم و مراعات وفا داشتم پس چون عرصه بر این عبد بقسمی تنگ شد کہ روح و ریحان بکلی منقطع گردید و تیر جفا چون قطرات باران بارید چارهئی ندیدم جز آنکہ بکلی از ارض مقصود متواری شوم بطبریا بقصد دائمی فرداً وحیداً روانه شدم و در آن گوشه باه و ناله همدم بودم فی الجمله از تنهائی روح و ریحانی حاصل گردید ولی حکومت نگذاشت کہ زیست شود متصرف پایی شد نہایت اظهار خوف و هراس نمود مجبوراً مراجعت نمودم چون بحیفا رسیدم ملاحظه شد کہ این بی انصاف بغرت و کربت و تنهائی و مصیبت این عبد کفایت ننمود و از قول این عبد کلهئی روایت نمود کہ نعوذ بالله تحقیر جمال مبارک روحی لاجبائہ الفداست و ناقل رو برو ذکر کرد ابدأ حیا نکرد من هر اذیتی و فسادی و فتنهئی و جفائی از او تحمل نمودم و هیچ نمیگویم با وجود آنکہ محبتی باو نموده‌ام کہ از اول ابداع تا بحال کسی بکسی ننموده و البته مطلع هستید حال باطراف شکایت مینگارد کہ من باو



ORIGINAL

ظلم کرده‌ام و آه و فغان میکند انا اضطربت قتیلاً و قاتلی شاکی این شخص مثل اعداء جمال مبارک که از دست جمال مبارک شکایت مینمودند و حال آنکه سینه مبارکش قطعه قطعه بود ع ع